



## Narrative Content Research on the Impact of Believers' Social Relationships on Islamic Civilization\*

Amir Bani Asar<sup>۱</sup>

### Abstract

The realization of Islamic civilization is the ultimate goal of establishing religion in society. Utilizing the rich religious resources and using the reliable achievements of modern science are two prerequisites for achieving such a civilization. The analysis of the Shiite narrative heritage shows that among the key concepts of religious sources, “faith” - not as it is embedded in the minds of the general public - has a concocting truth and is formed in the process of history, according to certain principles and criteria. Faith includes accelerators such as good manners, the use of which, in addition to strengthening faith, creates good relationships throughout society. When the “right communication skills” are combined with the “pillars of faith, including satisfaction with destiny and trust”, peace is brought not only to the individual but also to society, and a civilizing generation is educated. When “faith” is strengthened in social relationships, it will bestow the believer the power to establish a religion and placing it under the shadow of guardianship will lead to the flourishing of many talents of the individual and society. The result of the strengthening of social relationships and the flourishing of society’s talents and the removal of social barriers is an Islamic civilization which, according to the Supreme Leader, has entered its second step in the declaration of the second step. By drawing the roadmap of the Ahl al-Bayt (A.S), show a slice of the model of world civilization and government.

**Keywords:** Faith, Peace, Islamic Civilization, Social Relationships, Infidelity.

---

\*. Date of receiving: ۱۱/۱۰/۲۰۲۱ - Date of approval: ۰۳/۰۱/۲۰۲۲.

۱. Assistant Professor, Department of Hadith Sciences, Al-Mustafa International University, Qom;  
(a.baniasar@gmail.com)



## محتوا پژوهی روایی تأثیر روابط اجتماعی مؤمنین

### در تمدن‌سازی اسلامی\*

امیر بنی‌عصار<sup>۱</sup>

#### چکیده

تحقق تمدن اسلامی هدف نهایی اقامه دین در جامعه است. بهره‌گیری از منابع غنی دینی و استفاده از دستاوردهای قابل اطمینان دانش جدید، دو پیش‌نیاز رسیدن به چنین تمدنی است. تحلیل میراث روایی شیعه، نشان از آن دارد که در میان مفاهیم کلیدی منابع دینی، «ایمان» - نه آن‌گونه که در اذهان عموم افراد جاگرفته - حقیقتی معجون‌گونه دارند و در فرایند زمان، بر اساس اصول و ضوابطی معین شکل می‌گیرند. ایمان مشتمل بر شتاب‌دهنده‌هایی همچون حُسن خُلق است که به‌کارگیری آن علاوه بر تقویت ایمان، روابطی حسنه در سراسر جامعه به‌وجود می‌آورد. آن‌گاه که «مهارت ارتباط صحیح» با «ارکان ایمان از جمله رضایت به تقدیر و توکل»، همراه می‌شوند آرامش را نه فقط برای فرد که برای جامعه به ارمغان آورده و نسلی تمدن‌ساز تربیت می‌گردد. وقتی «ایمان» در روابط اجتماعی استحکام یابد، به مؤمن قدرت اقامه دین داده و قرارگرفتن آن تحت سایه ولایت، شکوفایی بسیاری از استعدادهای فرد و جامعه را به‌دنبال خواهد داشت. برآیند استحکام روابط اجتماعی و شکوفایی استعدادهای جامعه و رفع موانع اجتماعی، تمدنی است اسلامی که به تعبیر مقام معظم رهبری دام‌ظله در بیانیه گام دوم، وارد مرحله دوم آن شده‌ایم و پژوهش پیش‌رو با تحلیل محتوای روایات کتاب ایمان و کفر الکافی بر آن است تا با ترسیم نقشه راه اهل بیت علیهم‌السلام، بخشی از الگوی معارف تمدن و حکومتی جهانی را نشان دهد.

واژگان کلیدی: ایمان، آرامش، تمدن اسلامی، روابط اجتماعی، کفر.

\*. تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۷/۱۹ و تاریخ تأیید: ۱۴۰۰/۱۰/۱۳.

۱. استادیار گروه علوم حدیث جامعة المصطفی العالمية، قم؛ (a.baniasar@gmail.com).



## مقدمه

دستیابی به راهکارهای شریعت در رفع نیازهای جامعه دینی از جمله اهداف اساسی پژوهش‌های دینی به‌شمار می‌رود. راهکارهایی که حاصل کشف لایه‌های زیرین و پیچیده روایات، بر اساس اسلوبی نظام‌مند بوده و تا حد زیادی فرد را به مقصود نهایی اهل بیت در ایجاد تمدنی اسلامی نزدیک خواهد ساخت. تمدنی که عبارت است از: «برقراری نظم و هماهنگی در روابط انسان‌های یک جامعه که تصادم‌ها و تزاخم‌های ویرانگر را منتفی ساخته و مسابقه در مسیر رشد و کمال قائم مقام آن‌ها کند؛ به‌طوری که زندگی اجتماعی افراد و گروه‌های آن جامعه، موجب بروز و به فعلیت رسیدن استعدادهای سازنده آنان باشد» (جعفری، ۱۴۱۹: ۲۰۹). توسعه چنین تمدنی، به معنای کشورگشایی نیست بلکه به معنای تأثیر پذیرفتن فکری ملت‌ها از اسلام است (حسینی خامنه‌ای، الف، ۱۳۹۵). چنین فکری مشتمل بر مفاهیمی کلیدی است. از جمله مفاهیم محوری چنین تمدنی که مورد نظر پژوهش پیش رو قرار گرفته مفهوم ایمان است. ایمان از کلیدواژه‌هایی است که نگاه اجتماعی به آن دریچه‌های جدیدی از روابط انسانی و تمدنی را باز می‌کند. در جستجوی حقیقت ایمان نباید بر اساس ذهنیت عمومی یعنی اعتقادی قوی، از جستجوی میدان معنای وسیع آن که از مقایسه روایات کتاب ایمان و کفر به‌دست می‌آید صرف نظر کرد. در این میدان، ایمان حقیقتی سیال در میان کثیری از معانی دارد که از تحلیل هم‌نشین‌ها و متقابل‌های موجود در متون روایی می‌توان تا حدودی به آن دست یافت. تحلیلی که از تأثیر ابزارگونه عقل شروع شده و ضمن ریشه‌یابی و کشف حقیقت اولیه ایمان وارد فرایند تقویت آن گشته و با ترسیم زنجیره رتبه‌بندی‌شده روابط اجتماعی از زاویه دید اهل بیت (علیهم‌السلام)، موانع کمال جامعه را کنار زده و زمینه تمدن اسلامی را فراهم می‌آورد. بدیهی است بُعد معرفتی و معنوی ایمان بسیار اهمیت داشته و توجه به اثرگذاری اجتماعی ایمان هرگز به معنای نفی آن ابعاد نخواهد بود! لیکن نگارنده سعی کرده تا فضای ذهنی ثقة‌الاسلام کلینی در دوره غیبت صغری را که بسیار نزدیک به دوره حضور بوده ملاک قرار دهد و بر اساس چینی‌های اسلامی، بخش نخست از تمدن نوین جهانی را به تصویر بکشد. تصویری که اصالت دین و مذهب را حفظ کرده و بهترین راه نجات از تقلید کورکورانه تمدن غرب است: «ما برای ساختن این بخش از تمدن نوین اسلامی، بشدت باید از تقلید پرهیز کنیم؛ تقلید از آن کسانی که سعی دارند روش‌های زندگی و سبک و سلوک زندگی را به ملتها تحمیل کنند. امروز مظهر کامل و تنها مظهر این زورگوئی و تحمیل، تمدن غربی است. نه اینکه ما بنای دشمنی با



غرب و ستیزه‌گری با غرب داشته باشیم - این حرف، ناشی از بررسی است - ستیزه‌گری و دشمنی احساساتی نیست. . . شرط رسیدن به تمدن اسلامی نوین در درجه اول این است که از تقلید غربی پرهیز شود. ما متأسفانه در طول سال‌های متمادی، یک چیزهائی را عادت کرده‌ایم تقلید کنیم. (حسینی خامنه‌ای، ۱۳۹۱).

تقلید خطرناکی که حضرات معصومان از دیرباز متذکر آن شده و فرموده‌اند: عدم شناخت فرهنگ و شیوه صحیح زندگی اسلامی مؤمن را محتاج به دشمنان کرده و او را ناخواسته داخل در مسیر گمراهی می‌کند (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۱: ۳۳). هویدا است شرط دستیابی به تمدن اسلامی اکتفا به آموزه‌های روایی نبوده و بهره‌مندی از دستاوردهای جدید هم باید ضمیمه گردد: «یک روزی مردم اروپا با استفاده از دانش مسلمین و فلسفه مسلمین توانستند از این دانش و فلسفه استفاده کنند و یک تمدنی را برای خودشان شالوده‌ریزی کنند. این تمدن البته تمدن مادی بود. از قرن شانزدهم و هفدهم میلادی اروپایی‌ها شروع کردند به شالوده‌ریزی یک تمدن جدید، و چون مادی بود از ابزارهای گوناگون بی‌محابا استفاده کردند؛ [از طرفی] به سمت استعمار رفتند، به سمت مغلوب کردن ملت‌ها رفتند، به سمت غارت کردن ثروت ملت‌ها رفتند؛ از یک طرف هم خودشان را در درون تقویت کردند با علم و با فناوری و با تجربه، و این تمدن را بر عالم بشریت حاکم کردند. این کاری بوده است که اروپایی‌ها در طول چهار پنج قرن انجام دادند. این تمدنی که آنها به دنیا عرضه کردند، جلوه‌های زیبایی از فناوری و سرعت و سهولت و ابزارهای زندگی را در اختیار مردم گذاشت اما خوشبختی انسان‌ها را تأمین نکرد، عدالت را برقرار نکرد؛ به عکس، بر فرق عدالت کوبید، ملت‌هایی را اسیر کرد، ملت‌هایی را فقیر کرد، ملت‌هایی را تحقیر کرد؛ در درون خود هم دچار تضادها شد، از لحاظ اخلاقی فاسد شدند، از لحاظ معنوی پوک و پوچ شدند. امروز خود غربی‌ها به این معنا گواهی می‌دهند... امروز تضادهای تمدن غربی خود را دارد نشان می‌دهد؛ در آمریکا یک‌جور، در اروپا یک‌جور، در مناطق تحت سلطه این‌ها در سراسر دنیا هم یک‌جور. امروز نوبت ما است، امروز نوبت اسلام است. «وَلَيْكَ الْآيَاتُ نُدَاوِلُهَا بَيْنَ النَّاسِ» (آل عمران، ۱۴۰) امروز نوبت مسلمین است که با همت خود، تمدن نوین اسلامی را شالوده‌ریزی کنند. همچنان‌که اروپایی‌ها آن‌روز از دانش مسلمین استفاده کردند، از تجربه مسلمین استفاده کردند، از فلسفه مسلمین استفاده کردند، ما [هم] امروز از دانش جهان استفاده می‌کنیم، از ابزارهای موجود جهانی استفاده می‌کنیم برای برپا کردن تمدن اسلامی، منتها با روح اسلامی و با روح معنویت. این وظیفه امروز ما است. (حسینی خامنه‌ای، ۱۳۹۴). پیشرفت‌های صنعتی و تجربی جدید



وقتی یاریگر تمدن می‌شود که زیربنای آنها را گزاره‌های مذهبی تمدنی پُر کند. آموزه‌های روایی و ابزار انتقال آنها یعنی زبان عربی یا زبانی که چنین فرهنگی را پذیرفته مثل زبان فارسی، زیربنای اصلی، رسیدن به تمدن بزرگ اسلامی بوده و دلیل تلاش غرب برای تغییر زبان، تغییر چنین تفکر است چرا که با تغییر زبان یک نسل کاملاً از نسل‌های گذشته و میراث تمدنی آنها منقطع خواهد شد. تا وقتی که رشد نظامی و کشاورزی و ... همراه با بالفعل کردن این زیرساخت دوگانه «مذهب - زبان» در زندگی عموم مردم نباشد، تمدن غرب که سوار بر مرکب سریع تکنولوژی است، اجازه نمی‌دهد تمدن اسلامی حاکم شود.

### الف. عقل و تأثیر آن در تمدن اسلامی

عبور از اشتراک لفظی و توجه به سیاق روایات، عقل را اولین و محبوب‌ترین مخلوق نزد خدا و حجتی باطنی (کلینی، ۱۴۰۷: ۱۰/۱). معرفی می‌کند که ابزار پیروزی و غلبه بر مشکلات و ملاک دینداری و موجب تفکیک صحیح اصل و فرع است (مجلسی، ۱۴۰۳: ۷/۷۵). رابطه عقل و ایمان در هیچ دینی به این اندازه تبیین نشده است، آنگاه که تلاش «کی‌یر که گور» در آشتی میان «ایمان» و «عقل» در مسیحیت ناکام ماند به ناچار زندگی خود را وقف نوسازی معنی مسیحیت نمود (ه.ج. بلاکهام، ۱۳۶۸: ۶). در حالی که صریح آموزه‌های اهل بیت ارتباط تفکیک‌ناپذیر ایمان و عقل بوده و پیشوای ششم شیعه از نقش ابزاری عقل این گونه پرده برداشته است: «لَيْسَ بَيْنَ الْإِيمَانِ وَالْكَفْرِ إِلَّا قِلَّةٌ الْعَقْلُ» فاصله بین ایمان و کفر چیزی جز کاستی عقل نیست، فزونی آن موجب فزونی ایمان و کاهش آن میل به کفر است (کلینی، ۱۴۰۷: ۲۸/۱). ابزاری که آدم ابوالبشر عليه السلام در امتحان سخت الهی اختیار کرد و حیا و دین خویش را تضمین نمود (کلینی، ۱۴۰۷: ۱۰/۱). کاستی عقل نه تنها در تعهدات دین که در همه تعهدات، سبب پوسیدگی رشته اعتماد است. (لیثی: ۵۴۰). از این رو عقل عنوان محبوب‌ترین مخلوق را به خود اختصاص داد (کلینی، ۱۴۰۷: ۱۰/۱) تا بر اساس آن بتوان به تعهدات شریعت پایبند بود. اصرار خاص شریعت بر تعقل، این پیام را به دنبال دارد که نتایج تمام رفتارهای آدمی به میزان عقل او برمی‌گردد و همین بازگشت موجب شده تا شارع مقدس خطایش را در دستورات شرع، به عقل نموده و فراوانی ثواب و عقابش را وابسته به کیفیت به کار گیری آن گرداند (همان). تشخیص ظرف به کار بستن معلومات و تعیین زمان سکوت و سخن و نیز به دست گرفتن افسار نفس در

۱. نویسنده، الهی‌دان، شاعر، فیلسوف دانمارکی و ملقب به پدر آگزیستانسیالیسم.



جلوگیری از شتابزدگی و رعایت حیای واقعی کار عقلی است که هیچ سرمایه‌ای پرسودتر از آن نیست (همان، ۱۴۰۷: ۲۰/۸). مؤمن برای تقویت عقل خویش در مسیر هدایت، به تناسب استعداد و شرایط محیطش، مسئولیت پذیرفته و در سایه آن، بصیرتش را فزوده و دست به کسب تجربه می‌زند تا به هنگام نیاز، بالاترین درجه از توانمندی عقل را دارا باشد (ر. ک. خشت اول مسئولیت، ابراهیمی، ۱۳۹۷). مطالعه زندگی گذشتگان (صحیفه سجادیه، دعای ۲۸، فراز ۵ تا ۷)، مشاوره با افراد عاقل و متدین و راستگو (برقی، ۱۳۷۱: ۶۰۲/۲؛ کلینی، ۱۴۰۷: ۲۰/۸). و نیز یاد مرگ (کوفی اهوازی، ۱۴۰۲: ۷۸) از عوامل مؤثر در کمال عقل بوده و تیغه شمشیر عقل را مهبای نبرد دوره فتنه می‌کند. چنین عقلی وقتی در کنار علم و عزم قرار گیرد سه عامل افزایش کارایی نظام اسلامی را تشکیل خواهند داد. (حسینی خامنه‌ای، ۱۳۸۶). جمع میان پیشینه‌آشنایی هر فرد با عقل و آنچه از کاربرستی روایی عقل آمد تا حدود زیادی نقش عقل در جامعه دینی را روشن می‌کند اما رابطه آن با ایمان کماکان مبهم و نیازمند تبیین حقیقت ایمان و مصادیق کاربرد عقل در تقویت آن است.

## ب. حقیقت ایمان

ایمان از ریشه «اُم ن» دارای دو مفهوم قرین «آرامش» و «تصدیق» بوده (ابن فارس، ۱۴۰۴: ۱۳۳/۱). و در مقابل ترس و نگرانی قرار دارد (فراهیدی، ۱۴۰۹: ۳۸۸/۸). به وقت نزول شریعت مقدس اسلام، شارع مقدس، در یک جابجایی معنایی، میدانی وسیع را زیر مجموعه این واژه گرداند که ظرف وجودی آن، قلب بوده و حضور ایمان در آن، سبب آرامش و زدودن اضطراب و آشفتگی است (کلینی، ۱۴۰۷: ۱۵/۲؛ مجلسی، ۱۴۰۳: ۱۷۸/۶۶). آرامشی نه از جنس مخدرات که خواستگاهش نسخه پزشک روان باشد بلکه از گونه‌ای بسیار قدرت‌دهنده و پایدار:

«اطمینان یعنی حالت طمأنینه دل. حالت آرامش روح و قلب. یعنی چه آرامش؟ آیا به این معنا که روح ما هیچ گونه تحرکی و تلاشی نداشته باشد؟ آرامش به این معنا که در حالت نیمه خواب و نیمه بیهوشی باشد دل ما؟ نه، بلکه آرامش در مقابل دغدغه و اضطراب، آرامش و اطمینان در مقابل تشویش. اطمینان به این معنا نیست که وسط میدان جنگ بگوید یک خُرده‌ای تماشای منظره‌ها را بکنیم خاطر جمع باشد، نه! به این معنا نیست که کمترین حرکات دشمن از نظرش پوشیده بماند. اطمینان به این معناست که مضطرب نیست. مشوش نیست. آینده برایش روشن است. می‌داند که او را پیش خواهد برد لذا نمی‌هراسد. این دل و این روح آرام است. . . وقتی ایمان به خدا در روح یک



انسان، همچون جاذبه‌ای قوی عمل کرد، آن چنان او را به‌سوی مقصدهای ایمانی می‌کشاند که جاذبه‌های کوچک، این جاذبه‌هایی که برای افراد بی‌ایمان بزرگ می‌نماید ولی در مقابل ایمان کوچک هستند، این جاذبه‌ها دیگر در او هیچ اثری نمی‌گذارد (حسینی، ۱۳۹۶: ۱۹۲).

ظرفی که عقل را بنده خداوند رحمان گردانده (کلینی، ۱۴۰۷: ۱۱/۱). با سرچشمه آرامش یعنی «یاد خدا» آشنا می‌کند. سرچشمه‌ای که رویگردانی از آن، روی آوردن به یک زندگی سخت و آزار دهنده بوده (طه، آیه ۱۲۴) و روی آوردن به آن قلب را به آرامش واقعی می‌رساند چنان‌که خداوند متعال فرمود: «أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ» (رعد: ۲۸) آگاه باشید که با ذکر خدا دل‌ها آرام می‌گیرد. آنچه در تحلیل پیش رو اهمیت ویژه دارد، شروع تحلیل معنایی ایمان، با مفهوم کانونی «آرامش قلب» است به‌طوری که سایر روابط معنایی به مرور به آن اضافه شده و زنجیره اجتماعی جامعه مؤمنین را خوشایند و تمدن حاصل از آن را متعالی می‌سازد.

### ج. عوامل تقویت ایمان

ایمان نهادینه شده در فطرت بشر در ادامه مسیر خود، متأثر از عمل کرد اختیاری مؤمن دست خوش تغییر و تحول می‌گردد. بر اساس فضل و لطف الهی، هر قدر عمل فرد بیش‌تر شود، ایمانی افزون‌تر بر آنچه داشته بر قلبش نازل شده و تقویت می‌گردد (فتح: ۱۴). نیاز انسان به آرامش از یک سو و تأثیر اختیار فرد در تثبیت آن از سوی دیگر، به تولد پرسشی می‌انجامد که «چگونه میتوان به نقطه اوج این آرامش و اطمینان رسید؟ چه عواملی در تثبیت و تقویت ایمان و آرامش مؤثر است؟». عواملی که اختصاص به دنیای پس از مرگ نداشته و نیاز کنونی بشر را نیز تأمین کند و اگر هم توجه به آخرت دارد راجع به وعده‌های دوره بازنشستگی مؤمن و ناظر به عمل دنیا و نتیجه آن است. پاسخ به این پرسش، کلید ورود به تمدنی جهانی خواهد بود.

بر اساس برونداد میراث روایی شیعه در کتاب ایمان و کفر الکافی، حقیقت عوامل تقویت ایمان، چیزی غیر از ذهنیت عمومی آن و بسیار مهم‌تر از فهم رایج است. چه بسا بعد معرفتی و عرفانی ایمان با تجرید از میدان معنایش، حاصل برداشتی ناقص از ماهیت ایمان باشد حال آن‌که چنین تجربیدی ناصواب است. کم‌توجهی به مفاهیمی که به‌عنوان عوامل تقویت، همنشین و هم‌سیاق ایمان شده‌اند دلیل خطای این تفکیک و تجرید است. عواملی که طبق برخی گزاره‌های روایی، در چهار عنوان «راستی، امانت‌داری، حیاء و حسن خلق» (کلینی، ۱۴۰۷: ۹۹/۲). گنجانده شده و مایز شخصیت



مؤمن از منافق و کافر هستند. روایات مشتمل بر ویژگی‌های منافق و کافر، مؤید این مطلب بوده و دروغ و خیانت در امانت را موجب قرب به جایگاه کفر؛ و رکوع و سجود دروغ‌گو و خیانت‌کار را عادت‌ی بیمارگونه دانسته‌اند (کلینی، ۱۴۰۷: ۱۰۵/۲ و ۲۹۰ و ۳۹۶). اجمال سخن آن‌که فرد دروغ‌گو و خائن و بی‌حیا و بد اخلاق دچار کاستی آرامش بوده و از قله ایمان به دور است. باری کشف لایه‌های زیرین معنایی این عوامل نیازمند تحلیل پیشین هر یک از آنها به صورت مستقل و با قطع نظر از دیگر موارد است. هر چند هر یک از عناوین فوق، محتاج تحلیل کاربردی و مصداق‌یابی فراوان است تا جای خویش را در زندگی نشان دهد اما چنین تحلیلی خارج از هدف نگارنده بوده و در کاوشی دیگر باید دنبال شود. تحلیل مستقل هر یک از عوامل تقویت ایمان، پرده از حقیقتی بر می‌دارد که کم‌تر به آن توجه شده است؛ حقیقتی که نشان از وسعت فرصت تقویت ایمان دارد. در نگاه عامیانه، مؤمن برای رهایی از دام دنیا و ارتباط با خدای خویش و تقویت روحیه بندگی، مکلف به واجباتی از قبیل صلوات یومیه گشته و در بازه زمانی محدودی از جمله پنج ساعت از روز، سعی در حفظ ایمان خود خواهد داشت. حال آن‌که بازه زمانی مذکور بسیار محدودتر از فرصتی است که خداوند حکیم به فرد داده و در روز حساب راجع به آن با بنده اش به گفتگو می‌پردازد. سوالی که باید مطرح شود و با چالشی که از آن حقایقی ژرف به دست خواهد آمد این است که چرا تناقضی ناخواسته از دین برای خود ساخته و از یک سو به مقابله با تفکر جدایی دین از زندگی می‌پردازیم و از سوی دیگر ظرف دین را به زمانهایی محدود مثل زمان نماز و حج و ... منحصر کرده ایم؟ عوامل تقویت ایمان پاسخی متعالی به این پرسش بوده که بر اساس راهنمایی اهل بیت علیهم‌السلام یعنی متخصصین آگاه به خلقت انسان، تلاش برای ارتقای ایمان را به تمام فعالیت‌های روزانه تسری می‌دهند. مؤمن با اصلاح تفکر خود در این تسری شگفت‌انگیز، از دین فردی، رها شده و حقیقت ایمان را در اجتماعی بزرگ و چارچوبی برگرفته از رهنمودهای اهل بیت علیهم‌السلام خواهد دید. قدم نهادن ایمان در اجتماع، شرط رسیدن به تمدن اسلامی و تقویت همه باورهای است که در ابتدا به صورت حداقلی به دست آورده است.

## تحلیل عوامل تقویت ایمان

### خوش‌رفتاری:

خوش‌رفتاری از عواملی است که شدت و ضعف ایمان متوقف بر آن بوده (کلینی، ۱۴۰۷: ۹۹/۲). گاه در خوشرویی و نوع نگاه کردن و لبخند فرد نمایان است و گاه در سایر افعال انسان. بسیاری از

تلخی‌ها و نگرانی‌ها و ناکامی‌ها ریشه در بدرفتاری دارد اما افسوس که کثیری از مبتلایان به آن، سر در لاک غفلت فرو برده و زخم‌های ناشی از عمل کرد زشت خود را بر روح و روان خویش و اطرافیانشان نمی‌بینند. ائمه هدی علیهم‌السلام در نسخه شفابخش خویش برای درمان این بیماری، با نگاهی مثبت، گاه به آثار خوش اخلاقی پرداخته گاه به تقدم رتبی آن بر سایر اعمال، نزد ارباب محبت اشاره کرده (کلینی، ۱۴۰۷: ۱۰۰/۲). و گاه پرده از حقیقت اخروی آن برداشته‌اند (کلینی، ۱۴۰۷: ۹۹/۲).

نسخه‌ای که مهم‌ترین آرزوی جوامع بشری یعنی «عمر طولانی و آبادانی دیار» را نوید شرب داروی خویش دانسته (کلینی، ۱۴۰۷: ۱۰۰/۲). و حکیمانه، ضمانت تحقق این نوید را رفتار ارادی و اکتسابی به جای طبع غریزی نهادینه در سرشت معرفی کرده است (همان: ۱۰۱/۲). نسخه‌ای که خوشرویی را محصور به جامعه مسلمین نمود تا تمام عالمیان، حس خوب ارتباط ایمانی را تجربه کنند (همان: ۱۰۳/۲). خوشرویی را وسیله شست‌وشوی عامل ویران‌گر کینه از قلب قرار داد (همان: ۱۰۴/۲). تا مؤمن به وقت سخن، روی گشاده کند و کاسه چشم را لبریز از محبت و طاقچه لب را مزین به لبخند گرداند و تیزی و سختی زبان را تبدیل به نرمی و آه‌های دلپسند نماید! دنیای امروز حسن خلق را بهترین وسیله دل‌آلی گرفته تا با لقلقه زبان جذب مشتری نماید غافل از آن‌که حقیقت خوبی و بدی خلق در انس گرفتن و حس خوب اطرافیان به هنگام حضور صاحب خلق خوش و استمرار آن است (همان: ۱۰۲/۲). چنین خلقی، سرعت حرکت اشتدادی ایمان را دو چندان خواهد کرد.

### صداقت و امانت‌داری:

دو عامل مهم دیگر در تقویت ایمان صداقت و امانت‌داری هستند. ارتباط کلامی یک هنر و مهارت است؛ اما پیش نیاز آن راستگویی است. آن‌جا که هنر سخنوری همراه با راستگویی باشد طعم خوش میوه آرامش، به سایه خوشایند درخت ارتباط کلامی افزوده خواهد شد (همان: ۱۰۴/۲). آرامش حاصل از دروغی که انسان را از مخمصه نجات می‌دهد آرامشی قبل از طوفان است و با گذر زمان، صفا و صمیمیت را سلب کرده و مقدمه ورود به خیانت و جنایت و هر گناه و زشتی است (حلوانی، بی‌تا، ۱۴۵). البته این قاعده خالی از استثناء نیست (کلینی، ۱۴۰۷: ۲۱۰/۲). هر چه میدان روابط وسیع‌تر گردد اهمیت و آثار این صداقت هم بیش‌تر خواهد شد. کما این‌که وقتی شخصی، دیگری را امین دانست و به او امانتی سپرد، امین برای حفظ این حس ارتباط خوب و اعتمادی که دیگری به او داشته، در امانت خیانت نمی‌کند هر چند امانت دهنده اهل فجور باشد (کلینی، ۱۴۰۷: ۱۰۴/۲). و الا هم



آرامش خویش و هم آرامش امانت‌دهنده را از بین خواهد بُرد. این امانت ممکن است از سنخ امور مادی باشد یا معنوی! امانت داری در توسعه مفهومی خود بسیاری از روابط اجتماعی را در بر گرفته به طوری که فرزند را امانتی در نزد اولیاء و دانش آموزان را امانتی در درست استاد و سرپرستی مال و جان و آبروی ملت را امانتی در دست حکمرانان قرار داده است.

### حیا:

حیا از دیگر عوامل تقویت ایمان است که پیچیدگی ارتباطش با ایمان و ملازمه این دو سبب شده تا به مثابه دو چیزی تشبیه شود که با طناب به هم گره زده شده و رفتن یکی موجب رفتن دیگری است (همان، ۶/۲). چنانچه در نمودار شماره (۱) آمده، مربع معنایی حیا، حاصل چهار ضلع است که کاستی هر یک، نقصان حیا و به تبع کاستی ایمان را به دنبال دارد؛ اولین ضلع، کنترل و مدیریت نفس در امور خلاف میل و طبع، برای رسیدن به مصلحت اهم است (مؤید: بقره: ۲۱۶) این مدیریت جز با کمک عقل حاصل نخواهد شد (و مرز حقیقی آن روشن نخواهد گشت)؛ ضلع دوم، موقعیت حیاست، شرایطی که ترک یا انجام کاری از نظر شخص ناخوشایند و از نظر غیر او خوشایند و لازم است؛ چنین شرایطی در هر مصداقی از حیا مشاهده می‌شود. سومین ضلع، نظارت ناظر است؛ شرم از انجام یا ترک فعلی در حضور ناظر بخشی از حیاست، خواه ناظرش خداوند باشد یا فرد یا گروهی از انسان‌ها! آخرین ضلع، ذهنیت شخص حیا کننده نسبت به «خوبی و بدی یک کار» و «محترم بودن ناظر» است (پسندیده، ۱۳۸۴: ۳۱). توسعه معنای حیا در روابط بینافردی مشخص شده و هر چه این روابط توسعه یابد اضلاع چهارگانه حیا برجسته‌تر خواهد شد. هر فردی در طول شبانه روز با موارد فراوانی روبروست که با قطع نظر از خواست دیگران، خوشایند طبعش نیست اما در حین ارتباط‌گیری با ناظری که نزد او محترم است، خود را ملزم به رعایت آن امور می‌کند؛ پیشوای ششم شیعه، تأثیر این توسعه معنایی در اجتماع را این گونه بیان فرموده‌اند: پیامدهای بی حیایی «بی احترامی به میهمان و خلف وعده‌ها و برآورده نشدن نیاز انسان‌ها و بی حرمتی به والدین و قطع ارتباطات خویشاوندی و خیانت در امانت و رواج فحشاء و زشتی در جامعه» است (مفضل، بی‌تا، ۷۹). فرهنگ متعالی حیا، بخشی از تمدن اصیل اسلامی است که با تکیه به خود مدیریتی در جامعه انسانی، فرد را از انحصار امنیت حاصل از سیستم‌های مدار بسته و مصنوعی که مدام نیاز به ارتقاء دارد رها کرده و با یاری ناظر درونی در کنار ناظر بیرونی، آرامش و امنیتی پایدار در جامعه مهیا خواهد کرد. لیکن سلامت هر فرهنگی مرهون



تعادل است و افراط در آن نوعی بیماری است؛ بیماری حیا، خجالت و کم رویی و به تعبیر دیگر «حیا» حمق» بوده و مورد مذمت شریعت و حاصل کاستی عقل است (کلینی، ۱۴۰۷: ۱۰۶/۲). چنین حیایی زمینه‌ساز فقدان نعمت‌ها و محرومیت از شیرینی‌های زندگی (شریف رضی، ۱۴۱۴: ۴۷۱، حکمت ۲۱) را فراهم کرده، به سبب ریشه‌ای که در جهل و ترس دارد موجب می‌شود تا شخص کم‌رو در بسیاری از موارد گرفتار خسران گردد. از این رو حیا آنجا که متعادل است عامل تقویت و کمال ایمان و آنجا که افراط است سبب ضعف و بی‌ایمانی است (ابن‌شعبه حرانی، ۱۴۰۴: ۳۶۰). بی‌توجهی به حیایی که مؤلفه‌های آن برگرفته از معارف اهل بیت علیهم السلام و تشخیص آن با کمک عقل است ناخواسته زندگی را به‌سوی حیای مدرنیته غرب برده و دیگر با سایر آموزه‌ها از جمله ادب اسلامی و به تبع تمدن اسلامی قابل جمع نخواهد بود. به‌طور مثال توجیهاتی از سنخ ادب مدرن که برگرفته از تمدن استعماری غرب است ملاک گفتگوها و رفتارهای فرد در کنار گذاشتن واژه‌های میراث اسلامی و تلاش برای رسیدن به شرافتی غربی در جامعه خواهد شد که واقعیت ندارد.

نمودار (۲): مربع معنایی حیا



#### د. تأثیر عقل در تنظیم عنصر مشترک عوامل تقویت

تحلیل فضای حاکم بر عوامل چهارگانه تقویت ایمان، عنصر مشترک و اساسی آنها یعنی «ارتباط با غیر» را آشکار می‌سازد: حسن خلق، بروز رفتار فرد در حین ارتباطاتش است، امانت‌داری پاسخی است به اعتماد غیر؛ حیا، لحاظ خواست اطرافیان و جلوگیری از برخی افعال در حضور غیر است و صداقت، شجاعت اظهار حقیقت در حضور دیگران و نترسیدن از عواقب خیالی آن است؛ حاصل آن‌که انسان در جایی به ایمان خود کمال می‌بخشد که از حالت فردی فراتر رفته و به ارتباط با محیط خود می‌پردازد (نمودار شماره ۲). پردازش چنین ارتباطی به میزان توانمندی عقل است. عقل با کمک نسخه‌روایی مذکور وقتی با نگاهی اجتماعی به تحلیل زندگی بشر می‌پردازد متوجه می‌شود انسان در ارتباط متولد می‌شود و رشد می‌کند و آسیب دیده و ترمیم می‌شود؛ و در نهایت آن‌گاه که به بلوغ ارتباط خویش دست یابد ایمانش کامل شده و آرامشی پایدار بدست می‌آورد، هر چه تلاش فرد در بهبود



کیفیت ارتباطاتش افزایش یافته و دایره ارتباطاتش را گسترش دهد آرامش حاصل از آن بیش‌تر و با ثبات‌تر خواهد شد. این دایره ارتباطی از اجتماع کوچک خانواده شروع شده و به اقوام و همسایگان و هم‌وطنان و هم‌دینان و هم‌نوعان و در نهایت تمام موجودات زنده توسعه خواهد یافت. نکته بسیار مهم در مهندسی مسیر چنین ارتباطی، نواهی صادر شده از اهل بیت علیهم السلام مثل نهی از تکبر و تعصب و مرأء و... است. این نواهی در حقیقت کیفیت رابطه را به گونه‌ای بالا می‌برند که ایمان انسان تقویت خواهد شد. تقویت مذکور به این معناست که آنچه از نظر علمی پذیرفته‌اند، در تجربه زندگی پیاده نموده و با قلب باور کرده‌اند. باور نتیجه آگاهی و عمل و استمرار در متن زندگی است.

بدیهی است که هر فرد در ارتباطات خود، رشد فرایندی دارد و انتظار نمی‌رود که از بدو تولد، ارتباطی نیکو با انواع و اصناف موجودات داشته باشد؛ از این رو شریعت با تفکیک حقوق، به درجه بندی این ارتباطات پرداخته و با رجحان برخی بر دیگری، زمینه تربیت و رشد او را در طول زمان فراهم آورده است. آنچه پیش‌روست نه استقصای تمام حقوق به مثابه رساله امام سجاد علیه السلام که بخشی از حقوقی است که در ارتباط ایمانی کتاب الکافی مورد توجه قرار گرفته است.

## هـ. زنجیره روابط اجتماعی ایمانی

توجه اهل بیت علیهم السلام به روابط اجتماعی، مشتمل بر مصالح و بر اساس ملاکاتی است که توجه به این ملاکات جایگاه هر کس را در تمدن اسلامی روشن خواهد ساخت.

### حق خداوند:

حق الله قله حقوقی است که از روی فضل و منت بر انسان آمده است و مصداق آن عبادت و دوری از شرک معرفی شده است (ابن بابویه، ۱۳۹۸: ۲۸). اهمیت این حق از آن جهت است که هر قدر این ارتباط بهتر و با کیفیت‌تر شود سایر ارتباطات، نیکو خواهند شد (کلینی، ۱۴۰۷: ۳۰۷/۸) و بدون اصلاح چنین رابطه‌ای، سایر روابط نمی‌توانند موجب تقویت ایمان شوند. راه ارتباط با قله خوبی‌ها یعنی خداوند، عبادت است و شمول صفات باری تعالی بر همه خوبی‌ها، سبب انحصار آرامش قلب ارتباط‌گیرنده است (رعد آیه ۲۸)، چرا که هر رابطه‌ای، آرامشش موقت بوده و معلول احتمال قطع آن رابطه است اما انسان تا آخرین لحظه حیات، امکان ارتباط با خالق خوبی‌ها را دارد. میزان آرامش، مرهون سهولت شیوه ارتباط یعنی پیچیدگی نداشتن دعا است. دعا آسان‌ترین راه ارتباط با مهربان‌ترین، باگذشت‌ترین، داناترین، زیباترین، هنرمندترین، محبوب‌ترین و قوی‌ترین و... است که تکیه به او، انسان را بانشاط، پرانگیزه، آرام و



امیدوار می‌کند. کثرت غفلت انسان سبب گشت تا خداوند، اکسیر آرامش بخش دعا را در داروی ترکیبی فریضه نماز، قرار دهد (راغب، ۱۴۱۲: ۴۷۱) و آرامش او را در لابه‌لای سختی‌های شبانه روز فراهم نماید. رابطه‌ای که بر محور محبت، زیباترین علقه برادرانه را میان افراد برقرار می‌کند و در پاسخ به دعای یکی برای دیگری، نیاز هر دو برطرف می‌کند (کلینی، ۱۴۰۷: ۵۰۷/۲).

### حق والدین:

دومین حق، حق والدین بر فرزند است و در رتبه بعد از خدا اثربخش‌ترین درجه ارتباط را در لوح محفوظ به خود اختصاص داده است (کوفی اهوازی، ۱۴۰۲: ۲۰). رابطه ایمانی با دو موجودی که از اسباب توسعه رزق و روزی بوده (کراجکی، ۱۳۹۴: ۴۰) و شدت محبت و گذشت و صبر آنها، منزلتی الهی برایشان ساخته تا جایی که ارتباط محبت‌آمیز فرزند با آنها، جای‌گزین جهاد فی سبیل‌الله گردیده است (کلینی، ۱۴۰۷: ۱۶۸/۲). چنین ارتباطی نه تنها تحمل مشکلات را آسان که بسیاری از موانع را با امداد غیبی و عینی برداشته و شیرینی زندگی را به دنبال خواهد داشت.

### حق خویشاوندان:

سومین حق، حقی است که نسبت به خویشان و ارحام بر انسان نهاده شده و ارتباط با آنها را در هر شرایطی حتی در فرض قطع ارتباط آنان واجب کرده است (همان: ۱۵۰/۲). تضمین طول عمر، پاک شدن عمل، فراوانی رزق، رفع بلا، آسانی حساب و تاخیر اجل (همان: ۱۵۰ و ۱۵۴) و نیکو شدن اخلاق (همان: ۱۵۱) همگی از آثار ارتباط خویشاوندی است. در توسعه معنایی «رحم»، خویشاوند اصلی هر فرد پیامبر و آل او هستند هر کس از آنها پُرد خدا هم از آنها می‌پُرد و هر کس به آنها ملحق شود خدا هم لطفش را شامل حال آنها می‌کند (همان). روابط حسنه خویشاوندی در این نظام فکری از دو جهت اهمیت دارد اول این که موجب تقویت ایمان می‌شود و دوم این که توسعه معنایی داشته و اصل و فرع در خویشاوندی را تبیین می‌کند.

### حق برادران ایمانی در جامعه اسلامی:

شدت ارتباط ایمانی به روابط خویشاوندی محدود نشده، در مرحله بعد شامل حق افراد جامعه اسلامی بر یکدیگر می‌گردد (همان: ۱۶۳/۲). هر مؤمنی نسبت به مؤمن دیگر برادر و راهنماست و هرگز نسبت به او خیانت و ظلم و خلف وعده نمی‌کند (همان: ۱۶۴/۲). در چنین فرهنگ متعالی، هر عضو از اعضای جامعه اسلامی در ارتباط‌گیری، کوشا بوده و نسبت به دیگر اعضا، مهرورزی و



مواسات و عطف‌داری دارد. (همان: ۱۷۵/۲). آرامش و قرار حاصل از ارتباط مؤمن با مؤمن دیگر بسان تشنه‌ای است که شدت عطش، او را مضطرب کرده و سراسیمه به دنبال آب است و با یافتنش که همان ارتباط با مؤمنین است آرام می‌گیرد و ایمانش تقویت شده و حشت و شک او تبدیل به زندگی دلنشین می‌گردد. (همان: ۲۴۷/۲). باری شرط چنین آرامشی، عمل به تعهداتی است که مؤمن نسبت به پروردگارش دارد (همان: ۲۴۸/۲). شرطی که سبب مرزبندی صحیح در ارتباط‌گیری‌های اوست. مرزبندی که از یک سو میان دوستان و دشمنان و از سوی دیگر میان خواص و عوام از دوستان محدودیت‌هایی بوجود می‌آورد. کاستی در تعهدات، فرد را در دایره عوام برده و افزون بر محرومیت از برخی آثار ایمان، گاهی خطرات دیگری هم به دنبال دارد: عدم تقید غالب افراد جامعه به دستورات شارع و به تبع عصیان خداوندی که لطف و مهربانی او کاملاً روشن است، موجب سلطه بی‌ایمانان بر جامعه ایمانی و عوارض سخت آن خواهد شد (همان: ۲۷۶/۲). از این رو عقلانیت مؤمن، مسیر ارتباطات اجتماعی او را به گونه‌ای تنظیم می‌کند که بدون تفتیش عقاید (همان: ۶۵۲/۲). دایره وسیعی از دوستی در جامعه اسلامی ایجاد کرده، و درون این دایره، حلقه محدودی مشتمل بر مؤمنین با تقوا و متعهد بسازد (ابن‌شعبه حرانی، ۱۴۰۴: ۳۷۶) تا علاوه بر آرامش دنیوی، بتواند حاکمیت دینی را حفظ کرده و امنیت اخروی را نیز به دست آورد.

نمودار (۲): تعامل ایمان و روابط اجتماعی



عقل در نگاه جامع به معنای گسترده ایمان به این نتیجه می‌رسد که: آرامش حاصل از روابط اجتماعی منافاتی با شدت ابتلاء مؤمن به قدر ایمانش (کلینی، ۱۴۰۷: ۲۵۲/۲). ندارد زیرا این گونه



بلاها برای تذکر و رهایی از غفلت است تا مؤمن را از سقوط نجات داده و در مراتب بالای ایمان نگاه دارد (همان: ۲۵۴/۲). مؤید این سخن، سفارش به دعا و صدقه و... برای رفع بلاست (ابن شعبه حرانی، ۱۴۰۴: ۱۱۱) تا غفلت و به تبع بالای ناشی از آن مرتفع گردد.

## و. شرایط اثرگذاری عوامل تقویت ایمان

آن‌گاه که مؤمن در پهنای جاده ایمان قرار گرفته و تلاش در بالا بردن سرعت و رسیدن به کمال ایمان دارد، چنین تلاشی مرهون استفاده بهینه از عوامل تقویت ایمان و به کارگیری عقل (در ایجاد ارتباط صحیح) است؛ اما آنگاه که هنوز در جاده ایمان قرار نگرفته، جلوه خاصی از اثرگذاری متقابل تقویت ایمان و روابط اجتماعی مشاهده نخواهد شد! مربع معنایی که (در نمودار شماره ۱ آمده) مؤمن را به ابتدای این جاده می‌رساند مجموعه شروطی است که عبارتند از: تکیه بر خداوند هنگام تمسک به اسباب ظاهری، واسپاری نتایج کارها به خواست خداوند و رضایت به خواست او و تسلیم امرش بودن (کلینی، ۱۴۰۷: ۴۷/۲). کشف ارتباط وثیق اضلاع این مربع نیازمند شناخت توحیدی است: وقتی خداوند هیچ تقدیری را بدون خیر و مصلحت برای مؤمن قطعی نمی‌کند (همان، ۶۲/۲). نتیجه‌ای جز این ندارد که بنده‌ای که آگاه به فقر و ناتوانی خویش و قدرت خداوند باشد در کارهایش به او تکیه کرده و از توکل و تقویض غافل نشده و راضی به رضایت او و تسلیم اوامرش خواهد شد. شروط مذکور مقاماتی است که توقع تحقق یکباره آنها از مؤمن دور از ذهن بوده و در طول مسیر، آرام آرام بدست می‌آیند. مؤمن در ابتدای راه نیازمند آمادگی اجمالی و اولیۀ این چارچوب است اما رسیدن به حقیقت و جایگاه والای هر یک از آنها بسته به میزان موفقیتش در سختی‌ها و امتحانات الهی است و سرعت رسیدن به این مقامات بستگی به میزان معرفت و شناختش از توحید (همان: ۶۰/۲). و عمل به آنچه شناخت پیدا کرده دارد (همان: ۴۴/۱). کما اینکه دور شدن از ایمان هم متوقف بر کاستی این معرفت و عمل نکردن اوست. حاصل آنکه مؤمن به دلیل دستور اکید شارع بر تدبیر و حزم (همان: ۴۱/۲). به مدیریت و برنامه ریزی زندگی پرداخته اما تکیه‌اش به تدبیر الهی و امیدش به آنچه او تدبیر می‌کند بیش از تدبیر خودش است (همان: ۸۳/۵). از این رو کار را به صاحب اختیار خویش واگذار کرده و راضی به مقدراتش و در نهایت تسلیم خواست اوست. هنر روابط اجتماعی بدون این شروط، اثر چندانی در تقویت ایمان به دنبال ندارد.

هدف اصلی از این حرکت کمال‌خواه ایمان، تحصیل آرامشی برای عمل به دستورات الهی است تا



مؤمن بر اساس آنها بتواند تمام استعدادهای خویش را شکوفا نماید و تا حد امکان تجلی صفات الهی گردد. دستورات شریعت، در راستای تحقق سود و منفعت بشر بوده و تمام رفتارها را تحت تأثیر قرار می‌دهد (همان: ۵۳/۲). و حسن و قبح عاقبتش فراتر از ادعا، در فعالیت‌های فرد در لحظات حساس زندگی بروز و ظهور خواهد یافت.

### ز. موانع تقویت ایمان و راهکار رفع آنها

مؤمن، آن‌گاه که با حفظ شرایط ایمان و یاری گرفتن از عوامل تقویت آن، حرکت بصیرت‌گونه در ایجاد روابط نیکو را پیمود در میانه راه، با دو مانع جدی روبروست که اجازه شکوفایی استعدادها و درویش را نمی‌دهند؛ مانع نخست در درون جامعه ایمانی و دیگری در بیرون جامعه ایمانی است! در جامعه دینی، فرد در حال ساماندهی ارتباطاتش، با نفاق‌ها و کینه‌ها و خودخواهی‌ها و ظلم‌ها و هوسرانی‌های برخی افراد جامعه از یک سو و اختلاف سلیق خواص هم از سوی دیگر، مواجه می‌شود تا حدی که مسیرش را دچار اختلال می‌بیند. این پیامدهای منفی به اختلال مسیر درون جامعه ختم نشده، بلکه در بیرون جامعه دشمنی‌هایی از جنس کفر را مشاهده می‌کند که جز به حذف ایمان و نفی دستورات الهی و سلطه بر مؤمنین راضی نمی‌شوند، از این رو حلقه مفقوده‌ای در میدان معنایی ایمان احساس می‌شود که راهنما و راهگشای مؤمن در رفع موانع است؛ این حلقه کلیدی که نامش ولایت است، دلیل و راهنمای تحقق تمام مهمات دین در جامعه خواهد بود (همان: ۱۸/۲). اهمیت این عنصر معنایی در دایره ایمان آن‌جا روشن می‌شود که اعمال خیر انسان بدون شناخت و توجه به راهنمایی‌های ولی امر، استحقاق هیچ پاداشی از خداوند را نداشته و از دایره ایمان خارج می‌شود (همان: ۱۹/۲). بدیهی است چنین ولایتی ادعای آحاد جامعه نبوده و نیازمند شناخت همراه با اطاعت است (برقی، ۱۳۷۱: ۱۵۴/۱). «دارای ولایت بودن یک آدم به این نیست که در مجالس اهل بیت گریه کند فقط؛ محبت اهل بیت در دل انسان باشد همین و بس! ولایت در یک انسان، به معنای وابستگی فکری و عملی هر چه بیشتر و روز افزون‌تر با ولی است. ولی را پیدا کن، بعد از آن که مشخص کردی، شخصا از لحاظ فکر، از لحاظ عمل، از لحاظ روحیات، از لحاظ راه و رسم و روش، خودت را به او متصل کن، دنبالش راه بیفت حرکت کن! جبهه‌بندی‌های تو جبهه‌بندی‌های او باشد، (او باید) فکر ولی را بداند، با ولی هم فکر شود با ولی هم عمل شود! این (فرد، حقیقتاً) با ولایت است (حسینی خامنه‌ای، ۱۳۹۶: ۵۶۱ - ۵۶۳)». ولایت آن‌گاه که با ولایت همراه شود علاوه بر تمام مزایای ارتباط ایمانی و



شکوفایی استعدادها، میوه شیرین مکارمی از اخلاق را که ریشه در رابطه عاطفی با امام دارد برای جامعه اسلامی به بار می آورد. (کلینی، ۱۴۰۷: ۵۶/۲). اکتفا نکردن به شهادتین و تلاش برای تحت سرپرستی ولی امر و دشمنی با دشمنان او قرارگرفتن، ولایت را به معنای واقعی کامل کرده و دینی را که اولیای الهی به آن پایبند بوده اند نصیب انسان می گرداند؛ انتظار فرج و پیش روی به سوی تمدن اسلامی نیز تابع چنین ولایتی است (کلینی، ۱۴۰۷: ۲۱/۲).

ولایتی که منصوب به خداوند تبارک و تعالی باشد عامل شکوفایی استعدادهای فردی و اجتماعی است کما این که ولایت شیطان و طاغوت در نقطه مقابل بوده؛ با هدف سود ظالمان، هرگز در جهت منافع آحاد جامعه گام بر نمی دارد. مؤمن برای آن که شیطان بر تمام انرژی های سازنده و استعدادهای درویش مسلط نشود باید با تبعیت از ولایت حق، به نفی ولایت طاغوت بپردازد. این پذیرش و نفی به اراده شخص بر می گردد و تا خودش نخواهد، شیاطین انس و جن توان تسلط را ندارند (عیاشی، ۱۳۸۰: ۲۷۰/۲). نگاه روشن و پویای عقل و نقل، به مساله ولایت، جامعه اسلامی را در زمان غیبت از این عنصر اساسی بی بهره ندانسته و با این حد وسط که «ولایت ولی، ولایت شخص نیست بلکه واسطه ای است برای توجه به ولایت خداوند و جریان اوامر و نواهی او» نتیجه می گیرد که: جامعه نمی تواند بدون امام و رئیس باشد خواه امام هدایت خواه ضلالت (شریف رضی، ۱۴۱۴: ۸۳) تا جلوی برخی مفاسد را بگیرد. اگر این امام، حق باشد فراتر از رفع برخی مفاسد، همه چیز را در جای خود قرار می دهد. امام، گاه مستقیم و منصوب از طرف خداوند است و گاه با نشانه هایی در درجه ای پایین تر از معصوم به فقیهی عادل و شجاع و متقی و خداترس و مدیر سپرده می شود و همان کارکرد را دارد. با تأیید چنین حکمی از جانب نقل (حسن بن علی علیه السلام، ۱۴۰۹: ۳۰۰) به دست می آید که با هدایت ولایت فقیه، فرد فرد جامعه همچون مجموعه ای واحد گشته و با هدف پیاده سازی خواست خداوند و شکوفا شدن استعدادها و به تبع پیشرفت همه جانبه مسلمانان دو جهت دنبال می شود: «یک جهت ارتباطات داخلی است، که کمال همبستگی و اتصال و ارتباط آحاد و جناح های گوناگون را در خودش تامین کند و تمام عالم اسلام یکدست بشوند؛ یک جهت، جهت ارتباطات خارجی است که امت اسلامی باید سعی کند روابط خود را با دنیای غیر مسلمان جوری تنظیم کند که یک ذره تحت فرمان آنها قرار نگیرد (حسینی خامنه ای، ۱۳۹۶: ۵۳۸)». عنصر فعال ولایت، علاوه بر آنچه آمد، رتبه بندی مجموعه های درون جامعه دینی را مشخص کرده و هر آنچه را در رسیدن به تمدن اسلامی مؤثرتر است مقدم می کند. از اهم بخش های جامعه دینی، متصدیان تربیت نسل جدید هستند: [راه برافراختن پرچم تمدن نوین



اسلامی چیست؟] راهش تربیت نسلی است با یک خصوصیتی که آن خصوصیات این‌ها است؛ یک نسلی باید به وجود بیاید شجاع، باسواد، متدین، دارای ابتکار، پیش‌گام، خودباور، غیور؛ -البته خوشبختانه ما امروز در نسل جوان بسیاری از این خصوصیات را داریم اما این بایستی گسترش پیدا کند- چنین نسلی لازم داریم. (حسینی خامنه‌ای ب، ۱۳۹۵). یکی از مهم‌ترین سازمانهای متکفل تربیت، آموزش و پرورش است: آموزش و پرورش باید بتواند انسان‌هایی تربیت کند دانا باشند، توانا باشند، خردورز باشند، پارسا باشند، پرهیزکار باشند، پاکدامن باشند، کارآمد باشند، مبتکر باشند، شجاع باشند، اهل اقدام باشند، از دشمن نترسند، از تهدید نترسند، خواب‌رفتگی و غفلت پیدا نکنند؛ انسان‌های این جوری تربیت کند. این [طور] اگر شد، این کشور به همانی که بنده آرزو کردم و گفتم و وعده دادم و ان‌شاءالله خواهد شد، خواهد رسید؛ یعنی ما تا چند دهه بعد -آن روز من گفتم تا پنجاه سال که حالا چند سالش گذشته- مثلاً تا پنجاه سال دیگر [به جایی می‌رسیم که] هر کسی در دنیا بخواهد مرزهای جدید علم را به دست بیاورد، مجبور باشد فارسی یاد بگیرد. تربیت یک چنین انسان‌هایی، یک چنین جوان‌هایی، پایه اصلی ایران سربلند فردا است، پایه اصلی تمدن نوین اسلامی است (حسینی خامنه‌ای، ۱۳۹۸). تقدم چنین سازمان‌هایی در جامعه دینی به معنای لزوم پشتیبانی همه سازمان‌ها از آنهاست: همه‌ی دستگاه‌ها در دولت، وظیفه‌ی پشتیبانی آموزش و پرورش را دارند؛ چه دستگاه‌هایی که به برنامه‌بودجه می‌پردازند، و چه دستگاه‌هایی که آنها را در مجلس شورای اسلامی تأیید می‌کنند و تصویب می‌کنند، باید نگاه همه‌ی آنها به آموزش و پرورش یک چنین نگاهی باشد. تصور نکنند که این جا جایی است که فقط هزینه‌بر است - گاهی نگاه، این جوری است؛ می‌گویند دستگاه هزینه‌بر - نه، این جا دستگاهی است که هرچه شما هزینه کنید، به طور مضاعف دستاورد خواهید داشت؛ این جا جایی است که ثروت‌سازان آینده، علم‌سازان آینده، تمدن‌سازان آینده، مدیران آینده، از این جا به وجود خواهند آمد و خلق خواهند شد. این جور نیست که ما خیال کنیم آموزش و پرورش فقط برای ما هزینه دارد؛ نخیر، دستاوردهایی بزرگ‌تر از دستاوردهای آموزش و پرورش وجود ندارد. هرچه شما در سرتاسر کشور از جلوه‌های پیشرفت و دستاورد و ابتکار می‌بینید، ریشه‌ی آن این جا است؛ اینجا را درست کنید تا همه جا درست بشود (حسینی خامنه‌ای، ۱۳۹۳). در این صورت حکومت اسلامی، انتظاری فعال برای فرج داشته و به‌سوی پدیده تمدن اسلامی پیش خواهد رفت: تمدن اسلامی یعنی آن فضایی که انسان در آن فضا از لحاظ معنوی و از لحاظ مادی می‌تواند رشد کند و به غایات مطلوبی که خدای متعال او را برای آن غایات خلق کرده است برسد؛ زندگی خوبی داشته باشد، زندگی عزت‌مندی

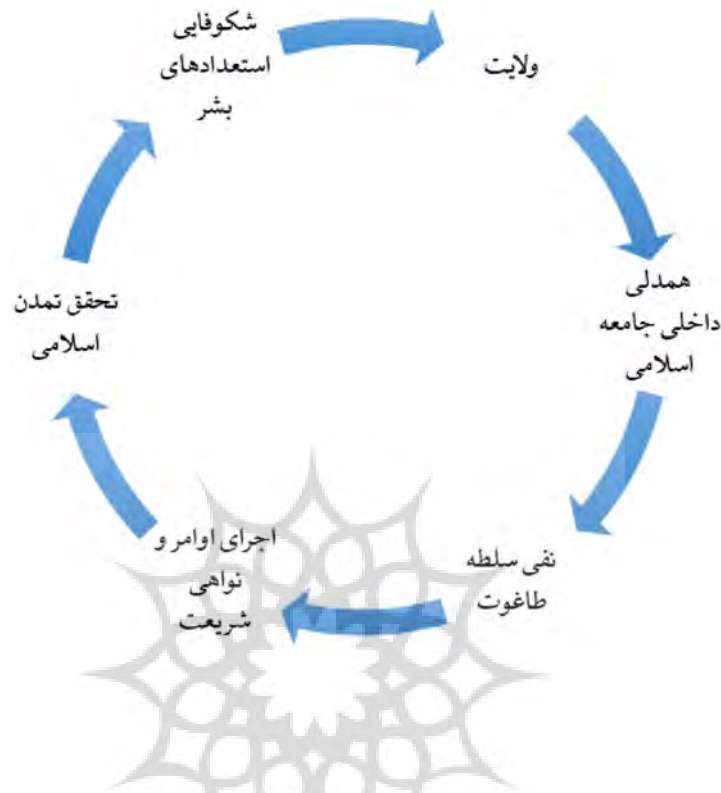
داشته باشد، انسان عزیز، انسان دارای قدرت، دارای اراده، دارای ابتکار، دارای سازندگی جهان طبیعت؛ تمدن اسلامی یعنی این! (همان، ۱۳۹۲).

تأثیرپذیری ایمان متعهدانه از روابط صحیح اجتماعی نشان از آن دارد که قوانین حاکم بر جامعه اسلامی باید همسو با ایمان افراد باشد و بدون چنین قوانینی، فرد برای حفظ ایمانش مجبور به گوشه‌گیری و به تبع اکتفا به حداقل ایمان است زیرا حضورش در جامعه متأثر از این قوانین است. پایبندی به تعهدات وقتی قابل جمع با تقویت روابط اجتماعی است که این روابط مانع تعهدات او نگردد و این مهم جز با جریان قوانین حاکم بر جامعه محقق نخواهد شد خواه قوانین اقتصادی مثل ممنوعیت رشوه و رانت یا قوانین فرهنگی مثل حجاب و امنیت اجتماعی. از این رو مؤمن تمام تلاش خویش را برای اقامه و تحقق قوانین شریعت در جامعه خواهد کرد.

برونداد انتساب ایمان به قلب، پدیده تنوع قلوب در میان بشر «قلب مؤمن و منافق و کافر» است؛ به گونه‌ای که به میزان کاهش ایمان و لوازمش، به نفاق و سپس کفر نزدیک شود (کلینی، ۱۴۰۷: ۴۲۳/۲). و انسان دائم در میان یکی از این سه دسته در سیلان است و اختیار اوست که خیر بودن عاقبت یا شر بودنش را رقم خواهد زد اما خداوند لطیف، ضعف انسان را در این پیمایش لحاظ کرده و فرصتی استثنایی برای مؤمن به نام «توبه» قرار داده است. توبه تجویز فرصت مجدد برای جبران عهدشکنی در اثنای روابط اجتماعی است. یکی از جلوه‌های تربیتی توبه مؤمن، زمانی است که او در مسیر ایمانی خویش حرکت اشتدادی را پیموده و مراتبی از ایمان را به دست آورده اما در فتنه‌ها و امتحانات سخت، دچار لغزش شده و به سوی بی‌ایمانی رفته است، وقتی پس از مدتی دچار گناه و سپس حرکت به سوی توبه شده، با این ذهنیت روبروست که فرصت‌های تقویت ایمان گذشته را در اختیار نداشته و حسرت آبادانی بیش‌تر آخرت را در دل خواهد داشت اما ندای الهی او را متوجه یکی دیگر از مهربانی‌های بی‌مانندش کرده و با او یعنی توبه کننده، محاسبه تمام آنچه در دوره ایمانش پیموده خواهد شد (کلینی، ۱۴۰۷: ۴۶۱/۲).



### نمودار (۳): حاکمیت ولایت بر جریان روابط اجتماعی و تحقق تمدن اسلامی



### نتیجه‌گیری

برگه تضمین سلامت یک حرکت در ایجاد تمدن اسلامی از یک سو مشروط به نظام فکری برگرفته از روح اسلامی حاکم بر منابع دینی است و از سوی دیگر نیازمند استفاده از دستاوردهای جدید بشری خواهد بود، در بخش نخست، ایمان، نقش کلیدی و محوری دارد. مفهومی که صرفاً به معنای عقیده‌ای ذهنی نیست تا هر چه مباحث کلامی و فلسفی پررنگ‌تر شود ایمان هم تقویت گردد (هرچند برای رفع شبهات فلسفی امروز راهی جز تلاش‌های فلسفی و کلامی نیست) بلکه حقیقت ایمان، امری قلبی و اشتدادپذیر در فطرت بشر است. مؤمن برای به فعلیت رساندن تمام استعدادهای خدادادیش نیازمند تقویت ایمان است، از این رو در میدان وسیع ایمان گام نهاده و با شناخت خداوند و تکیه به مهربانی و قدرت و علم و سایر ویژگی‌های بی‌نهایت او آرامش می‌گیرد. تثبیت و تقویت چنین آرامشی نیازمند فرصت‌هایی برای آزمون عملی است. از این رو بر اساس سنت‌های الهی در مسیر زندگی وارد فتنه‌ها و سختی‌ها و امتحانات می‌گردد تا ایمانش را به کمال مطلوب برساند. او که تجربه زندگی پیش از این نداشته، برای رهایی از خطاهای ویرانگر، در مسیر پیچیده زندگی از ابزار عقل و بصیرت یاری



گرفته و در چارچوبی که ضامن آرامش است یعنی با توکل و تفویض و رضایت به خواست خدا و تسلیم، حرکت اشتدادی ایمان را در گسترش روابطش دنبال می‌کند. رعایت جایگاه هر صاحب حقی از بهترین معیارهایی است که کمیت روابط را متصف به کیفیت نموده و توشه مؤمن در مسیر سخت زندگی خواهد بود. حقیقت معنادار توحید، قراردادهای حاکم بر ارتباطات را مستند به اسباب واقعی نظام خلقت کرده و عوامل غیبی را به عوامل مادی افزوده می‌کند. غیبی بودن سنت‌های حاکم بر روابط فرد نه تنها به معنای بی اهمیت بودن آنها نیست که به معنای تغییر ناپذیر بودن آنهاست چرا که هر چه رابطه مادی باشد به دنبال خود تغییر و دگرگونی هم دارد اما عوامل غیبی تغییر ناپذیرند. جایگاه توحید، رابطه خاص با والدین و کیفیت روابط با خویشان و هموعان همگی جزو نظام فکری حاکم بر قراردادهای اجتماعی است که بدون آنها تمدنی اسلامی شکل نمی‌گیرد. این جاست که مهارت ارتباط ایمانی اهمیت یافته و انسان را از بدعت «ایمان همراه با گوشه‌گیری و عزلت» رهاکننده و انگیزه تقویت این مهارت را در او بالا می‌برد. اکتسابی و اختیاری بودن ارتباط مطلوب، مستلزم تمرین و برنامه ریزی مستمر است تا فرد با تقویت ارتباط، رشد یافته و ضعف‌های شخصیتیش ترمیم گردد. ضعف‌هایی که غالباً در کودکی به دلیل مشکلات محیط و نبود راهنما، پیش آمده است و با قطع نظر از این مشکلات، یک انسان چندان ضعیفی در مهارت ارتباط‌گیری نخواهد داشت. مؤمن روابطش را با دعا و نماز و تکیه به صاحب اختیار عالم آغاز نموده و بعد از تنظیم تعاملش با والدین و خانواده و خویشان، گام در میدان وسیع جامعه اسلامی و جهان خلقت می‌نهد و به کمک حسن ارتباط با آنها آرامشی مضاعف دریافت می‌کند. از آن جا که چنین ارتباطی تمام ساعات شبانه روز را در بر می‌گیرد، فرصت مؤمن برای تقویت ایمان به حداکثر رسیده و تناقض «ادعای زندگی دینی» و «سکولار عملی» برطرف می‌گردد. تناقضی که مانع اصلی متصدیان اقامه دین در جامعه بوده و رفع آن جهشی قابل توجه در تحقق دین در جامعه خواهد بود. ویژگی برجسته «ایمانی» که در روابط اجتماعی به کمال رسیده، افزون بر آرامش، توانمندسازی مؤمن در پذیرش مسئولیت‌های اجتماعی است. در مسیر تحقق آثار مطلوب تعامل ایمان و روابط اجتماعی، موانعی از درون و بیرون جامعه پیش می‌آید که جز با اتحاد و همدلی جامعه اسلامی تامین نخواهد شد. راهکار انحصاری رفع این موانع، ولایت است. این جاست که علاوه بر تمام روابط پیشین، ارتباطی نه در عرض سایر ارتباطات که در طول آنها، میان هر یک از احاد جامعه و ولی امرشان ضروری نموده تا تحت لوای آن، افکار و رفتار اعضای جامعه ایمانی را مطابق دستورات الهی سامان دهد و به تربیت نسلی تمدن ساز روی آورد و علاوه بر تمام آثار مثبت، میوه شیرین مکارم



اخلاق را در رابطه قلبی با والی به دنبال داشته باشد. حاصل این ارتباط طولی، اتحاد و همدلی میان مؤمنین و جاری شدن اوامر الهی در جامعه و نفی سلطه طاغوت و به تعبیری تحقق تمدنی اسلامی و شکوفایی حداکثری استعدادهای بشر خواهد بود. تمدنی که چشم انداز اهل بیت در حکومت جهانی حضرت حجت عج بوده و شیعیان با حداکثر توان، انتظاری عملی را برای رسیدن به آن دنبال می‌کنند. آنچه بیان شد بخش نخست طرح تمدن اسلامی بوده که اگر با بخش دوم یعنی بهره‌مندی از دستاوردهای جدید، ضمیمه شود الگویی نسبتاً کامل برای حرکت در مسیر تحقق تمدنی نوین برگرفته از شریعت مقدس اسلام خواهد بود.





## فهرست منابع

۱. ابراهیمی، ابولفضل، خشت اول مسئولیت: پرورش مسئولیت، قم: انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی ره، چاپ دوم، ۱۳۹۷ش.
۲. ابن بابویه، محمد بن علی، التوحید (للصدوق)، قم: جامعه مدرسین، ۱۳۹۸ق.
۳. ابن شعبه حرانی، حسن بن علی، تحف العقول عن آل الرسول ﷺ، قم: جامعه مدرسین، چاپ دوم، ۱۴۰۴ق.
۴. ابن فارس، أحمد بن فارس، معجم مقاییس اللغة، قم: مکتب الاعلام الاسلامی، ۱۴۰۴ق.
۵. برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، قم: دار الکتب الإسلامية، چاپ دوم، ۱۳۷۱ق.
۶. پسندیده، عباس، پژوهشی در فرهنگ حیا، قم: مؤسسه علمی فرهنگی دارالحديث، سازمان چاپ و نشر، چاپ چهارم، ۱۳۸۴ش.
۷. جعفری، محمدتقی، قرآن نماد حیات معقول، تهران: مؤسسه تدوین و نشر آثار علامه جعفری، ۱۴۱۹ق.
۸. حسن بن علی علیه السلام، امام یازدهم، التفسیر المنسوب إلى الإمام الحسن العسكري علیه السلام، قم: مدرسة الإمام المهدي (عج)، ۱۴۰۹ق.
۹. حسینی خامنه‌ای، سید علی، الف، تاریخ دسترسی، ۱۴۰۰/۵/۱۷، khamenei.ir، ۱۳۹۵ش.
۱۰. حسینی خامنه‌ای، سید علی، ب، تاریخ دسترسی، ۱۴۰۰/۵/۱۷، khamenei.ir، ۱۳۹۵ش.
۱۱. حسینی خامنه‌ای، سید علی، تاریخ دسترسی، ۱۴۰۰/۵/۱۷، khamenei.ir، ۱۳۸۶ش.
۱۲. حسینی خامنه‌ای، سید علی، تاریخ دسترسی، ۱۴۰۰/۵/۱۷، khamenei.ir، ۱۳۹۱ش.
۱۳. حسینی خامنه‌ای، سید علی، تاریخ دسترسی، ۱۴۰۰/۵/۱۷، khamenei.ir، ۱۳۹۴ش.
۱۴. حسینی خامنه‌ای، سید علی، تاریخ دسترسی، ۱۴۰۰/۵/۱۷، khamenei.ir، ۱۳۹۸ش.
۱۵. حسینی خامنه‌ای، سید علی، تاریخ دسترسی، ۱۴۰۰/۵/۱۷، khamenei.ir، ۱۳۹۳ش.
۱۶. حسینی خامنه‌ای، سید علی، تاریخ دسترسی، ۱۴۰۰/۵/۱۷، khamenei.ir، ۱۳۹۲ش.
۱۷. حسینی خامنه‌ای، سید علی، طرح کلی اندیشه اسلامی، قم: صهبا، چاپ چهاردهم، ۱۳۹۶ش.
۱۸. حلوانی، حسین بن محمد بن حسن بن نصر، نزهة الناظر و تنبيه الخاطر، قم: مدرسة الإمام المهدي عجل الله تعالی فرجه الشریف، چاپ اول، ۱۴۰۸ق.



۱۹. راغب أصفهانی، حسین بن محمد، مفردات ألفاظ القرآن، بیروت: دار القلم، چاپ اول، ۱۴۱۲ق.
۲۰. شریف الرضی، محمد بن حسین، نهج البلاغة (للصبحی صالح)، قم: هجرت، چاپ اول، ۱۴۱۴ق.
۲۱. علی بن الحسین علیه السلام، امام چهارم، الصحيفة السجادية، قم: نشر الهادی، چاپ اول، ۱۳۷۶ش.
۲۲. عیاشی، محمد بن مسعود، تفسیر العیاشی، تهران: المطبعة العلمية، چاپ اول، ۱۳۸۰ق.
۲۳. فراهیدی، خلیل بن أحمد، کتاب العین، قم: نشر هجرت، چاپ دوم، ۱۴۰۹ق.
۲۴. کراجکی، محمد بن علی، معدن الجواهر و ریاضة الخواطر، تهران: المكتبة المرتضوية، چاپ دوم، ۱۳۹۴ق.
۲۵. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، تهران: دارالکتب الإسلامية، چاپ چهارم، ۱۴۰۷ق.
۲۶. کوفی اهوازی، حسین بن سعید، الزهد، قم: المطبعة العلمية، چاپ دوم، ۱۴۰۲ق.
۲۷. لیثی واسطی، علی بن محمد، عیون الحکم و المواعظ (للیثی)، قم: دار الحدیث، چاپ اول، ۱۳۷۶ش.
۲۸. مجلسی، محمدباقر بن محمد تقی، بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار، بیروت: دار إحياء التراث العربی، چاپ دوم، ۱۴۰۳ق.
۲۹. مفضل بن عمر، توحید المفضل، قم: داوری، چاپ سوم، بی‌تا.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی